

## اسلام بهترین پناهگاه سیاهان امریکا

در شماره های گذشته، اطلاعات جالبی  
در باره نهضت سیاهان امریکا در پرتو اسلام  
خواندید اکنون توجه شمارا به بقیه این جریان  
جلب میکنیم .

### کارها ، هدفها ، روشها

عالیجاه محمد ، سیاهپوست بعلمت ۳۳ سال مبارزه در راه آزادی و نجات سیاهپوستان از  
ظلم و ستم سفیدپوستان ؛ مورد احترام همه سیاهپوستان امریکا است .  
در سال ۱۹۳۲ عالیجاه محمد مسجد سوئ سوئاید South - Side را بکمک برادران  
سیاهپوست، خود بنا کرد که مرکز تجمع مسلمانان سیاه قرار گرفت .  
شعبه های مسلمانان سیاه در شهر های دیترویت ، شیکاگو ، بوستون ؛ فیلادلفیا ؛  
سانفرانسیسکو ، لوس آنجلس ، کلیولند ؛ دایتون ؛ آتلانتا ؛ نیویورک؛ فعالیت های خستگی -  
ناپذیری دارند .

کوششهای اقتصادی مسلمانان سیاه یکی از عوامل مؤثر پیشرفت نهضت اسلامی در میان  
سیاهان است ؛ مزارع نمونه ، مهمانخانه ها ، نانوائیها ، خیاطی ها و ... از کارهاست که  
زیر نظر عالیجاه محمد اداره میشود و البته همه مغازه ها و مؤسسات وابسته به ملت اسلام باعلامت  
«ما» و ستاره» مشخص است .

تا چند سال پیش کمتر کسی در امریکا یا جاهای دیگر ؛ اسم «مسلمانان سیاه» را شنیده  
بود ، و اگر در جایی از آنان نام برده میشد ، بمثابه یک اقلیت غیر قابل اعتنا که دارای تشکیلات  
و سازمان و رسالت اجتماعی نیستند ؛ تلقی میکردند . ولی اکنون کوششهای آنان همه را متوجه  
خود ساخته و سازمان آنها در حدود ۷۰ شعبه در ۲۴ ایالت امریکائی دارد و دو مرکز فرهنگی  
اسلامی در شیکاگو و دیترویت دارند ، ۴ مدرسه بزرگ ، ۴ دهه مسجد و مرکز اجتماع دارند

روزنامه ارگان مسلمانان سیاه «کلمات محمد» ! نامیده میشود و توسط جوانان وابسته درخیا بانها فروخته میشود . در دمنستر اسبونهای پر عظمتی که در نیویورک و شیکاگو و... ترتیب میدهند ؛ شعارهای اسلامی با خود حمل میکنند که در پیشاپش آنها تابلوی : **لا اله الا الله محمد رسول الله** دیده میشود .

خرید و معاملات آنان بیشتر از مراکز اسلامی است و در خرید گوشت و... هم همیشه دقت دارند که از قصابیهای اسلامی مشخص با علامت ماه و ستاره ، گوشت بخرند تا شرایط ذبح اسلامی ؛ در آن جمع باشد .

مسئله ای که حتی دشمنان نیز بدان اعتراف دارند آنست که نهضت اسلامی ؛ نیروی سحر انگیز عجیبی دارد و در پرتو آن زندگی افرادی که وابسته بآن میشوند ؛ بلافاصله ؛ تغییر می یابد و اکنون افراد بسیاری را از کسانی که اعتیادات زشت داشته و معتاد به مواد مخدره بودند ؛ طوری تربیت کرده اند که هرگز دیگر لُب نیاوده اند و از مجرمین و زندانیان نمونه هایی ساخته اند که باور - کردنی نیست ...

این مسلمانان ؛ واجبات دینی خود را از نماز و روزه و حج و . . . کاملاً بجا می آورند و اصولاً همت عجیبی دارند که شعار های اسلامی را حفظ کنند ، حجاب اسلامی در میان زنان آنان معمول است و هرگز در مجالس آنان دیده نشده که زن و مرد باهم اختلاط داشته باشند .

دانشمندان علوم اجتماعی صریحاً مینویسند ؛ انحراف و زدزدی و قتل و .. در میان جوانان مسلمانان سیاه اصولاً وجود ندارد ؛ آنان هرگز بیکار نمی گردند و اعمال آنان موجب پیشرفتهای اقتصادی شان شده است !

\* \* \*

مسلمانان سیاه طرفدار استقلال اقتصادی هستند و در این راه برنامه های خاصی دارند که با اجرای آنها خواهند توانست صاحب کارخانه ها ، مدرسه ها ؛ بیمارستانهای مستقلی بشوند ، آنان هرگز اطمینانی به سفیدپوستان ندارند و معتقدند مادامیکه از نظر اقتصادی تحت نفوذ سفیدپوستان باشند هرگز روی سعادت را نخواهند دید ؛ و شاید میخواهند مسأله استقلال اقتصادی موجب استقلال سیاسی میشود را عملاً روشن سازند .

مسلمانان سیاه در راه آموزش زبان عربی ، ( زبان قرآن ) در مدرسه ها و دانشکده های خود کوشش میکنند و پیروان خود را تحریک میکنند که حتماً زبان قرآن را یاد بگیرند و در سراسر امریکا مساجد و مراکزی برای ایراد سخنرانی و تشکیل اجتماعات میسازند و برنامه ای فعال در دست اجرا دارند که با اجرای آن دارای یک مرکز فرهنگی بزرگ و مهمی در واشنگتن خواهند

بود و مخارج مقدماتی آن به ۲۰ میلیون دلار برآورد شده و این مرکز فرهنگی دارای مسجد و کتابخانه و سالن سخنرانی خواهد بود و هم اکنون زمین آنرا به مبلغ ۱۵۰۰۰۰ دلار خریده اند (۱).

### جمعیت «ملت اسلام» و حکومت امریکا :

مسلمانان سیاه حکومت امریکا را یک حکومت قانونی میدانند و قوانین آنرا نیز محترم می‌شمارند و هرگز به اقدامات حاد دست نمی‌زنند؛ مگر آنکه برای دفاع باشد و پبیران خود تعلیم داده‌اند که فقط بنوان دفاع باید بزور توسل بجویند. و راه مبارزه قانونی را برای در دست گرفتن اختیارات لازم؛ برانقلاب و خونریزی ترجیح می‌دهند.

ولی متأسفانه فشار زیادی نیز بر دولت وارد می‌آید که اصولاً سازمانهای وابسته به مسلمانان سیاه را منحل سازند.

دشمنان اصلی مسلمانان سیاه کسانی از سفید پوستان هستند که منافع اقتصادی آنان در صورت پیروزی کامل مسلمانان، در خطر خواهد افتاد و سپس گروهی از دو حزب بزرگ دمکراتها و جمهوریخواهان هستند که مخالف ایجاد پایگاهی برای سیاهپوستان هستند و سپس صهیونیسم بین‌المللی که از پیروزی نهضت اسلامی سیاهان سخت نگران اند و میگویند که اگر این نهضت پیروز شود، موقعیت یهودیان امریکا با خطر مواجه خواهد بود.

گروهی از رهبران جمعیت‌های سیاهپوستان نیز، بعزت‌های محلی با مسلمانان سیاه مخالفت می‌ورزند و شاید علت اصلی آن احتمال از دست دادن موقعیت آنان در صورت پیروزی مسلمانان سیاه است.

واژه‌ها بالاتر، میسیونهای مذهبی مسیحی که ناظر اسلام آوردن مسیحیان سیاهپوست هستند، سخت ناراحت و ناراضی بنظر میرسند و این نهضت را برای مسیحیگری خطرناک معرفی میکنند. متأسفانه همه این عوامل دست بدست هم داده و باعث شده است که مجلات و روزنامه‌های این کشور بطور منظم علیه مسلمانان سیاه تبلیغ کنند و شاید کمتر روزنامه امریکائی را بیابید که خبری برضد آنان منتشر نسازد؛ و چندی پیش این حملات از روزنامه‌ها به مجلس سنای امریکا منتقل شد و گروهی از سناتورها به مسلمانان سیاه حمله کرده و از آقای کندی خواستند که در چه زودتر این گروه را اخلاک‌گر، را بکوبند و سازمان آنرا منحل ساخته و غیر قانونی اعلام دارند. با اینکه کوششهای زیادی برای جلوگیری از فعالیتهای مسلمانان سیاه میشود ولی خوشبختانه **دادگاههای محلی ایالات متحده امریکا** چون دلیلی برای اخلاک‌گری آنان

در دست ندارند ، همیشه بنفع آنها رأی داده و بآنان اجازه فعالیت داده اند .  
 اهمیت کوششهای ملت اسلام با اندازه ای زیاد شده که آقای «گندی» پس از اغتشاش  
 «بیرمنگهام» رسماً اخطار کرد که اگر از راههای مسالمت آمیز به مسئله نژاد رسیدگی نشده  
 و این مشکل اجتماعی بر طرف نگردد ، راه در مقابل جمعیت های افراطی ، مانند  
 مسلمانان سیاه باز خواهد شد . (۱)

### ملت اسلام چه میگوید ؟

این بود خلاصه ای از چگونگی کوششهای جمعیت ملت اسلام در میان سیاهان در قلب  
 امریکا ؛ و ما با اینکه قصد داشتیم بطور مشروحتری درباره آنان بحث کنیم ، بمللی با اشاره  
 اجمالی به هدف نهائی مسلمانان سیاه و نقل سخنانی از رهبران این نهضت عظیم اسلامی از مطبوعات  
 امریکائی به بحث خود خاتمه میدهم :

مسلمانان سیاه می گویند : پس از آنکه ما سیصد سال مورد بهره برداری و استثمار  
 نژاد سفید پوست بودیم ، بایست اکنون آزاد شویم و این آزادی را اسلام بما تعلیم میدهد .. و  
 در ازای این سیصد سال کار بردگی ؛ باید حکومت فدرال ایالت مستقلی را بما بدهد تا مستقل  
 زندگی کنیم ...

گروهی از اعضای جمعیت حتی نام خانوادگی خود را که طبق رسوم قدیم منسوب به  
 اربابان خود بود ، تغییر داده و حرف X (ایکس) را بجای نام خانوادگی ذکر میکنند .  
 اینان با استعمال کلمه «نیگرو» (سیاه زنگی) نیز مخالفت کرده و آنرا تعقیری برای خود میدانند  
 و میگویند که این کلمه ؛ اصطلاح برده فروشان است ؛ ...

بیشتر افراد و اعضاء این جمعیت از طبقه زحمتکش و جوان میباشند و حتی ۸۰ درصد  
 رهبران آنها نیز کمتر از ۴۰ سال دارند ...

روزنامه «نیویورک تایمز» شماره مورخه ۱۰/۵/۱۹۶۳ در باره ملت اسلام و هدفهای  
 آن مینویسد : «مالکولم ایکس امروز برای رهبری نهضت مسلمانان وارد پایتخت شد ،  
 او اظهار داشت که رهبری نهضت در «نیویورک» و «واشنگتن» بهده وی خواهد بود .  
 وی گفت که مسئله تمصیبات نژادی در ایالات متحده موجب انفجار خواهد شد و اگر سفیدپوستان  
 بزودی حقوق سیاسی کامل سیاهان را برسمیت نشناسند ؛ کار به خونریزی خواهد کشید حوادثیکه  
 در «بیرمنگهام» گذشت ، شاهد خوبی بر آنست که نباید به سفید پوستان اعتماد کرد ؛

سیاهان دیگر نباید گول وعده‌های سفیدپوستانرا بخورند؛ آنان باید برای زندگی مستقل خود تلاش کنند. رهبر مسلمانان سیاه گفت: سیاهان این سرزمین دیگر از سفیدپوستان که حاضر نیستند حقوق آنانرا بشناسند، مأیوس شده‌اند..

وی گفت که رهبری همه تظاهرات واجتماعات روزهای یکشنبه درواشکنن بمعهده‌وی خواهد بود وبه سفیدپوستان اجازه حضور در آن اجتماعات را نخواهد داد تا سیاهان بتوانند مشکلات خودرا بخوبی طرح ودر راه رفع آن بکوشند.

وی اضافه کرد: حل بحران سیاهان درواشکنن فقط در پیروی از اسلام است... عالیجاه محمد رهبر بزرگ نهضت توانسته که پیروان خود را از هرگونه اعتیاد به مسکرات ومواد مخدره دور سازد و هرگونه فساد وفحشاء وجنایت را در میان آنها، از بین برده است.

وی افزود: ما میدواریم که تا سال ۱۹۷۰ م، نود درصد سیاهان امریکا؛ مسلمان شوند؛ مسیحیت فعلی دین سفیدپوستان شده و در فکر آزادی سیاهان نیست ولی اسلام هرگز به رنگ و پوست؛ ارزشی قائل نیست و فقط شخصیت انسانی را در نظر می‌گیرد.

وی سپس درباره علت شیوع فساد در میان سیاهان گفت: عامل اصلی این امر سفیدپوستان هستند که با دادر کردن مراکز فساد، می‌خواهند سیاهان را در بدبختی نگه دارند. اصولا يك سیاهپوست صاحب این همه مراکز فساد نیست، این سفیدپوستان هستند که با هواپیما و کشتی، مواد مخدره ومسکرات برای سیاهان می‌آورند!

مامسلمانان؛ زیاد حرف نمی‌زنیم، وقضاوت را بمعهده مردمی می‌گذاریم که ناظر اعمال ما هستند. ما طرفدار دشمنی وزور نیستیم ولی اگر کسی به ما حمله کرد؛ باید از خود دفاع کنیم؛ دفاع از سیاهان حق مسلم ما است.

عالیجاه محمد میگوید: «اگر سیاهان امریکا نمیتوانند با فریقا برگردند، و نتوانند حقوق مشروع خودرا بدست آورند، بایستی يك ایالت مستقل وجداگانهای داشته باشند که در آن زندگی کنند»

روزنامه «نیویورک تایمز» در شماره مورخه ۱۵/۵/۱۹۶۳ نوشت:  
«پرزیدنت کندی ووزیر دادگستری رابرت کندی بنویسندگان «آلاباما» گفتند که شکست راه مسالمت آمیز با سیاهان، راه را برای جمعیت های افراطی از قبیل مسلمانان سیاه، خواهد گشود».



## اذان نابهنگام!

... غلامی کم شخصیت بود ، لیاقت غلامی هم نداشت ! اما «معتصم عباسی» او را با مارت گماشت ...

خلیفه در حدود هفتاد هزار از بی بند و بارترین و بی حیثیت ترین افراد را بغلامی گرفت و پس از مدتی عده ای از آنها را مناصب عالی بخشید و پستهای حساسی را به افرادی نالایق سپرد. این غلام نیز از همان عده ای بود که با دارا نبودن صلاحیت ذاتی و لیاقت شخصی و عدم اصالت و شخصیت خانوادگی ، اجتماعی و دینی ، به مقامی پس از جند رسید و چون سایرین در سوءاستفاده کردن از مقام و موقعیت خود و تجاوز به حیثیات و اموال مردم ، فروگذار نمی کرد .. روزی بوسیله معاون خود تاجری را نزد خویش خواند و با او چنین گفت : «من آزاد مردی و نیکو سیرتی و امانت و دیانت تو را از مردم بسیار شنیده و نادیده فریفته تو گشته ام ، آرزو دارم میان من و تو دوستی و برادری برقرار گردد ، خوب است ! اکنون هزار دینار بمن بدهی تا پس از گذشت پنج ماه با اضعافی چند بتو بپردازم .

معاون در پی کلام رئیس رو بتاجر کرد و گفت : «تو هنوز جناب رئیس را نمی شناسی ! بشرافت قسم ! درهمه ارکان دولت پاک معامله تر از وی کسی نیست» . تاجر بیچاره که از این همه تعارف و احترام از دو مقام عالی تر به نسبت بخود مات و مبهوت و در عین حال شرمزده شده بود ، جواب داد : «کاریکه از من ساخته باشد نسبت به جناب رئیس مضایقه ندارم ولی چکنم که نمیتوانم هزار دینار بپردازم ، چون همه سرمایه من ششصد دینار است که در طول روز گاری بس دراز و سخت بدست آورده ام و با آن در بازار بغداد خرید و فروش میکنم ؛ رئیس گفت اشکالی ندارد ، چون مقصود طرح دوستی و برادری است ؛ همین ششصد دینار را مرا رحمت فرمائید» .

\* \* \*

ده روز از موعد مقرر گذشت که تاجر تهی دست و پاکدل بملاقات رئیس رفت و بدون

اینکه تقاضائی کند ، پس از یکساعت توقف بیرون آمد و در مدت دو ماه بیش از ده بار رئیس را دیدار کرد اما سودی نپخشید ، ناچار نامه‌ای نوشت : «مرا بدان شکسته زر حاجت است و از موعد دو ماه میگذرد اگر مقتضی میدانید به معاون امر کنید تا زرا تسلیم نماید» . رئیس جواب داد «من از کار تو غافل نیستم ؛ مدتی صبر کن ؛ بهمین زودی بوسیله معتمدان خویش برایت میفرستم» . دو ماه دیگر صبر کرد لیکن خبری نشد ، باز بخانه رئیس رفت و نامه نوشت

فایده نکرد ...

یکسال ونیم از مدت مقرر گذشته بود که مرد درمانده عده‌ای از بزرگان و متنفذین شهر را واسطه کرد اما اثری نپخشید ، حاضر شد از سود بگذرد و از اصل سرمایه صد دینار کم کند ، ثمر نداد .

با قلبی شکسته و بی امید ، خود را در تنهایی درد آلودی مشاهده کرد و همه درها را بروی خود بسته دید ، ناچار به مسجد پناه آورد و با خدا راز و نیاز کرد : پروردگارا ! چکنم؟ بیچاره شدم ، از زندگی ساقط گشتم ، کجا بروم ، بکه پناه بیاورم و درد دلم را با که بگویم در این شهر تنها نام «اسلام» وجود دارد و از مسلمانی خبری نیست ، این غلام صفتان رئیس نما ! بر ما چیره شده و زندگی ما را تباہ ساخته اند ؛ خداوندا ! تو پناه درماندگان و دادرس بیچارگانی .

فقیری ژنده پوش که از مناجات اوسخت تحت تأثیر قرار گرفته بود نزدیک وی آمد و گفت : ترا چه رسیده است که چنین مینالی ؟

تاجر - وضع من طوری است که با مردم گفتن سود ندارد ، بتمام رجال ، سادات و قضات کشور رجوع کردم و نتیجه‌ای نکر فتم

فقیر - اگر درد دلت را بمن بگوئی زیان نخواهی کرد ، مگر نشنیده‌ای دانایان گفته اند : «هر که را دردی باشد با هر کسی همی باید گفت باشد که در میان آنها از کمتر کسی بدست آید» !

تاجر - راست میگوئی و سپس ماجرای حال خود را برای وی شرح داد

ژنده پوش - خیاطی را میشناسم که کلید اصلاح کار تو در دست او است ؛ نزد وی برو و جریان کار خود را برایش شرح ده . تاجر با قدمهایی لرزان و قلبی آکنده از غم ؛ از مسجد بیرون آمد و بسوی دکان خیاط گام برمیداشت و با خود میانیدیشد ؛

عجبا ! صاحبان نفوذ و قدرت کاری از پیش نبردند ؛ اکنون يك خیاط ؛ پیر مرد ناتوان چه میتواند بکند ؛

لیکن چه کنم هر چه باشد میروم و مسلماً وضع بدتر از این نخواهد شد . رفت و پس از طی مسافتی با پیرمرد خیاط که آثار بزرگی از سیمایش ظاهر بود و در دیدگانش صفا و درستی موج میزد و اراده و تصمیم در چهره اش خوانده میشد ؛ ملاقات کرد و ماجرای کار خود را با وی در میان گذارد .

پیرمرد با لهجه و متانت خاصی گفت ناراحت نباش ؛ من هم اکنون کار تو را اصلاح میکنم و سپس نگاه خود را به جوانکی که آنطرف دکان سرگرم دوختن بود ، انداخت و گفت : بلند شو و بخانه فلان رئیس برو و بگو استادم گفته است پولی را که یکسال و نیم قبل گرفته ای هر چه زودتر بصاحبش برسان .

تاجر با همین چند کلمه خیلی چیزها فهمید و در حالیکه نگاهش را به پیشانی چپن خورده خیاط دوخته بود ، باخود میگفت هیچ آقایی به بنده اش چنین پیغامی نمیفرستد ! دقایقی چند گذشت ، سکوت و بهت تمام وجودش را فرا گرفته بود که یکدفعه متوجه شد ؛ رئیس خم شده و دست پیرمرد خیاط را میبوسد ، هنوز میخواست صحبتی بکند که کیسه زر را در دست خود دید و رئیس در حالیکه با کمال خضوع عذر تقصیر رفته را میخواست ، بیرون رفت !

\* \* \*

بعد از مدتی تاجر نزد پیرمرد خیاط آمد و در ضمن سپاسگزاری بسیار چنین گفت : من جریان عجیبی مشاهده کردم ؛ قدرت و نفوذ کلام شما با این شغل و وضعیت ساده سازگار نیست و برای من بصورت يك معما جلوه کرد ؛ ممکن است بر من منت گذارده و علت این همه حرمت تاثیر کلام را بفرمائید ؟

خیاط - علتش يك چیز است ؛ فقط يك چیز ؛ انجام يك فریضه مهم الهی ، نهی از منکر ؛ تاجر - ممکن است مطلب را برایم تشریح کنید ؟  
خیاط - آری ؛ گوش کن تا برایت بگویم :

من هیچگاه گرد فحشاء و منکر نکشته و لب بشراب نیاوده ام و همیشه از رواج ستمها و فجایع در درنجم و از درستی و دادلذت برده و در اجراء امر بمعروف و نهی از منکر از خود بیخودم ؛ سی سال است که در این مسجد ، همین مسجدی که در جنب دکان من قرار دارد اذان میگویم ... شبی از شبهای یکی از همین ستمگران بداندیش ، آدمکهای انسان نما ، امیر نمایان غلام - صفت که برای رسیدن بقاصد شیطانی خویش از هیچ جنایتی باک ندارند ، نمونه ای از همین رئیس نالایق و پیمان شکن ، مست کرده و چادرزن غفیفی را گرفته می کشید ؛ آن زن می گریست و فریاد می زد : مسلمانان بفریادم رسید ، من زن بدکاره ای نیستم ، دختر فلان کس و زن فلان



مردم ؛ اما هیچکس جرأت آنرا نداشت که نزدیک رود و این زن پاکه را از چنگال ناپاکه او برهاند . من از این بی ناموسی سخت برآشفتم ، غم بسینه‌ام چنک انداخت ، خون غیرت در رگهایم جریان یافت ، انسانیت دامنم را گرفت ؛ مردانگی قلبم را فشرده ؛ دینداری سکوت در برابر جرم و جنایت را گزافی بس بزرگ و نابخشودنی در نظرم مجسم ساخت ؛ چرا باید در مرکز حکومت اسلامی ، در شهر مسلمین به ناموس و آبروی مردم تجاوز شود آنهم از طرف کسانیکه باید پاسدار و نگهبان ناموس و حیثیات اجتماع باشند ؛؛ تدبیری بخاطرم رسید .

**اذان نابهنگام ، آری اذان نابهنگام ،** تنها راه جلوگیری این جنایت را همین دیدم . محکم و بی تزلزل تصمیم خود را اجرا کردم ؛ بالای مأذنه رفته و با صدای بلند اذان گفتم ، راستی اذان و ندای «الله اکبر» چه قدر روح افزا و جان نواز است ؛ آنهم برای احقاق حق و جلوگیری از ظلم و تجاوز ، هر چند که نابهنگام و بی موقع باشد . مرا جلب نموده و نزد خلیفه بردند ؛ معتمضم علت این اذان بی وقت را جویا شد ، من واقعه را از اول تا باخر برای او گفتم ؛ خلیفه دستور داد امیر متخلف را آوردند و او را بمجازات سخت رساند و مرا مأور کرد که در این قبیل حوادث برای اطلاع او اذان بی موقع بگویم . اذان پس من با دارا بودن چنین موقعیت حساسی توانستم جلو بسیاری از مفساد را بگیرم و این غلامان پست- فطرت را مهار کنم و بیچارگان و ضعفا را از خطر تجاوزات و جنایات آنها برهانم ، این موهبتی است که پروردگار عالم در اثر انجام «نهی از منکر» بدست معتمضم بمن ارزانی بخشید . و آنهمه تکریم و احترام را که اذان رئیس ملاحظه نمودی از بیم اذان نابهنگام بودا

(۱) سیاست نامه اثر ابوعلی حسن بن علی خواجه نظام الملک صفحه ۵۲



## این گم شده را بیابید

امیر مؤمنان (ع) فرمود : «علم و حکمت گمشده افراد با ایمان است و آنرا هر جا بیابند فرا میگیرند» .  
(نقل از نهج البلاغه)

نیز حضرتش فرمود : «مطالب حکیمانانه را از مشرکین هم باشد فرا بگیرید» باز فرمودند «نظر بگوینده مکنید بلکه نظر بگفتار نمائید و گفتار صحیح را از هر که گفته است بگیرید» .

و فرمودند «گفتار حکیمانانه را از هر کس یاد بگیرید هر چند گوینده آن از اهل ضلال باشد» .  
(نقل از اثبات الهداة ج ۱)

## فراگیری و تحقیق مسلمانان در علم طب

\* کتابهای طب ترجمه میشود .

\* آغاز دوره تحقیق

\* یک نمونه از دانشمندان و پزشکان اسلام

\* نقش دین در یک پزشک مسلمان

\*\*\*

کتاب طب ترجمه میشود .

در قرن دوم و سوم هجری که دوره آشنائی ابتدائی مسلمانان با علوم بیگانه و فراگیری بود، کتابهای علمی بزبانهای یونانی و پهلوی و هندی بسرعت در بین مسلمین بعبری ترجمه میشد و مسلمانان با عشق و شوق فراوان باخذ و اقتباس سرگرم بودند .

علم طب بیش از سایر علوم مورد توجه مسلمین قرار گرفت و پس از گذراندن دوره کوتاهی خود دست به تحقیقات و تألیفات گرانبها و پرازشی زدند .

علت مشق شدید آنان باین علم علاوه بر احتیاج ؛ اهمیت و تأکید بود که از زبان پیشوایان دینی خود دریاد گرفتند علم طب شنیده بودند چه ؛ پینمبر اسلام از آغاز همانطور که مردم را به فرا گرفتن اصول عقائد و معارف عالییه اسلام و خلاصه علم دین و طب روحانی تشویق میکرد همچنان بخصوص به تحصیل طب پزشکی اهمیت فراوان میداد تا آنجا که علم ادیان و علم ابدان را در عرض هم قرار داد و هر دو را برای مسلمانان لازم دانست .

طب در بین مسلمین ابتدا بهمت پزشکان گندی شاپور پایه گذاری شد و سپس با ترجمه ها و تعلیمات دسته ای از طبیبان که از زبان یونانی اطلاعاتی داشتند و یا کتب منقوله از یونانی بسریانی را بعبری در میآوردند ترقی و توضیح یافت .

در اینکه چگونه و چرا پزشکان ایرانی گندی شاپور همت بنشر و توسعه کتابهای طب گماشتند میگویند منصور دومین خلیفه عباسی وقتی مبتلا به مرض معده شده و اشتهای بگذار از دست داده بود تمام پزشکان دربار از معالجه او ناتوان شدند و تدابیر آنان بجائی نرسید .

یک روز منصور پرسید آیا پزشک حاذقی می شناسید که بتواند مرا معالجه کند و پزشکان گفتند رئیس بیمارستان گندی شاپور بنام « جورجیس بن بختیشوع » طبیبی است ما هر و

ما کسی را بهتر از او سراغ نداریم جورجیس مسیحی بود و از پزشکان حاذق سریانی ، اودر علم طب تألیفات مهمی داشت به سبب کاردانی ولیساقهت رئیس بیمارستان گندی شاپور بزرگترین مدارس طب آن روز شده بود .

منصور کسیرا بنز داد و فرستاد و احضارش کرد و بیماری خودش را برای او شرح داد جورجیس بمعالجه پرداخت و پس از مدت کمی منصور بهبودی یافت .

خلیفه علاقه شدیدی نسبت باو پیدا کرد بطوریکه مانع بازگشتن او بگندی شاپور شد و از او خواست تا در بنداد بماند .

جورجیس در بنداد ماند و چون بزبان های عربی ، سریانی ، فارسی ؛ یونانی آشنا بود در ایام اقامت در بنداد چند کتاب در طب بسریانی تألیف کرد و بعضی از کتاب های طب را از یونانی به عربی ترجمه نمود .

### آغاز دوره تحقیق

پس از گذشتن مدت محدود و کمی از ترجمه کتابها و اقتباس علوم غیر اسلامی مسلمانان وارد مرحله تحقیق شدند کتابها نوشته و ابتکاراتی از خود نشان دادند که در تاریخ علم بسا اعجاب و عظمت از آن یاد میشود و مخصوصاً در رشته طب و پزشکی نوابقی با اجتماع انسانی تحویل داده شد .

ابن ابی اصیبه در کتاب طبقات الاطباء ، يك جلد از کتاب خودش را بشرح اسامی دانشمندان اسلام که در این رشته تألیفاتی داشته اند ؛ اختصاص داده است .

### یک نمونه از دانشمندان و پزشکان اسلام

یکی از پزشکان مشهور اسلام و نمونه دانشمند مسلمان ؛ محمد بن زکریای رازی است که به «طیب المسلمین» و یا جالینوس العرب لقب یافت .

رازی پزشکی عالقدر و فیلسوفی معروف و ریاضی دانی ماهر بود ولی شهرت زیاد او در طب است میگویند در ابتداء شغل زرگری داشته و به کیمیا علاقه فراوان پیدا کرد و بیشتر اوقات خود را در بدست آوردن آن صرف میکرد و آزمایش های مختلف بر روی مواد گوناگون انجام میداد ؛ در اثر همین آزمایشها و فعالیتها و تماس با گازها و بخارهای مختلف چشمش ورم کرد و برای معالجه به طبیبی مراجعه نمود آن طبیب به بلع پانصد اشرفی بعنوان حق معالجه از او گرفت و گدگت کیمیا همین است نه عملیات خسته کننده تو ، این سخن در رازی سخت مؤثر شد و بفکر آموختن طب افتاد . و در حالیکه چهل سال از عمرش گذشته بود باجدیت و شور و شوق فراوان بفرافتن علم طب پرداخت و چنان جدیت و اهتمام از خود نشان داد که پس از چندی از همه

پزشکان بالاندر شده و مرجع آنان گردید و در سال ۲۸۹ - ۲۹۵ هجری سمت ریاست پزشکان بغداد را بدست آورد برای نشان دادن قدر و عظمت رازی و مقدار خدمت او در طب دانشمندان تاریخ علم چنین میگویند: «علم طب معدوم بود جالبینوس آنرا بوجود آورد و زنده کرد، ولی پراکنده بود محمد بن زکریای رازی آن را منظم نمود، ناقص بود ابن سینا بدرجه کمالش رساند» رازی مدت ۵۰ سال در بغداد بشغل طبابت اشتغال داشت و علاوه بر بکار بستن آنچه در کتب طبی دیگران دیده بود و آزمایش آنها از خود ابتکاراتی در معالجه داشت که همه آنها را در کتابهای خود جمع کرده است.

هنوز بسیاری از نظریات ابتکاری او در دنیا ارزش دارد و مورد استفاده قرار میگیرد و در شماره های بعدی، کتابها و تحقیقات رازی را بتفصیل ذکر میکنیم.

### نقش دین در بزرگواران پزشکان مسلمان

در اینجا توجه باین نکته لازم است که پس از انتقال علوم بیگانه بکشورهای اسلامی و آشنایی مسلمین با آن علوم، روح اسلام در تمام مظاهر علمی و تمدن آنان تجلی کرد و دو نیروی عظیم معنوی و مادی با هم آمیخته شد و این اصل کلی که «همه چیز برای خدا» در فعالیتهای دانشمندان مسلمان بخوبی آشکار بود.

پزشکان مسلمان به پیروی از این اصل، خدمتگزار اجتماع و فروتن و مهربان بودند و با پیروان مکتب مادیت که همه چیز و همه کس را تنها برای جمع ثروت و تأمین وسائل عیاشی و خودکامگی میخواهند فرق نمایانی داشتند.

دانشمند بزرگ اسلام؛ رازی با تمام عظمت و مقامی که دارد نسبت به بیماران مهربان بود و بیونوائیان را بطور رایگان معالجه میکرد، و از مال خود غذا و دارو میداد و اگر منزل نداشتند بخانه خود میبرد.

داستانهای زیادی از زندگی رازی در دست است که معرف فضائل اخلاقی و عظمت

روحی این پزشک عالیقدر اسلامی است و برای نمونه یکی از آنها اشاره می شود:

میگویند روزی از کوچه ای میگذرد شخصی را می بیند که بیهوش افتاده است و مردم خیال میکنند که او مرده است رازی بعد از معاینه فوری دستور میدهد که چوب حاضر کرده و بر تمام بدن او و بخصوص کف پاهایش سخت بزنند در حالیکه مردم مشغول زدن بودند بیمار چشم باز کرد و بتدریج بحال آمد، و با اینکه او در نظر مردم مرده ای رازنده کرده بود و قتی که خلیفه او را خواست و این معالجه او را که شبیه اعجاز بود، ستود او در جواب گفت که این نحو معالجه را من دیده ام که بدو بها میکنند و کامیاب میشوند و طلب مهمی نیست، تنها هنر من در اینجا این بود که دانستم این شخص هم بهمان بیماری مبتلا شده است، بنابراین، افتخار از آنها است.

## عصبانیت؟

\* خشم عقلانی کدامست؟

\* نیروهای شکر فشیطانی؟

\* دیوانگی آنی یادائمی؟

« الغضب مفتاح کل شر »

سرچشمه تمام زشتی‌ها و بدیها خشم است  
(از کلمات قصار رسول اکرم-ص)

خشم عقلانی کدامست؟

هر موجود زنده‌ای بزنگانی خود علاقه دارد ، آنچه اساس زندگی او را تثبیت میکند دنبال کرده و بدست می‌آورد ؛ و در مقابل از هر چه زیان آور است ، و حیات او را در خطر می‌افکند ، گریزان بوده ؛ با آن مبارزه میکند . این جذب و دفع از نظر تجهیزات طبیعی ، در هر جاننداری بودیمه گذارده شده است ، خواه آن جاندار ، مورچه ضعیف و یا نهنگ کوه پیکری باشد روی همین محاسبه حیوانات هر یک قسمی مجهز شده‌اند ؛ یکی بادندان و چنگال دفاع میکند ، دیگری بانیش زهر دار بمقابله بر می‌خیزد ؛ یکی حمله میکند ، دیگری فرار می‌نماید ؛ و بطور کلی هر یک بطریقی از نامایمات خود ؛ جلوگیری مینمایند انسان هم که از این رهگذر بی‌بهره نیست ، در نتیجه مستثنی نخواهد بود .

بمنافع خود روی آورده ؛ از زیانها و آفت‌ها گریزان است ؛ و از حقوق حیاتی خود دفاع میکند . موقعیکه جان و مال و یا ناموس خود را در خطر می‌بیند ، از نقطه نظر طبیعی و ضمیر دگرگون شده ، آثار خشم و غضب در او نمایان میشود ، اولین مرحله دفاعی انسان از

خشم آغاز میگردد، درچنین موقعی تمام نیروی عقلی و فکری و جسمی متمرکز شده، در راه ازین بردن خطر؛ و مبارزه با دشمن، متمرکز میگردد.

ازین مقدمه بخوبی روشن میشود، که خشم و غضب ارتباط مستقیمی باحالت دفاعی انسان دارد، و روی همین اصل میتوان گفت که عامل پیدایش خشم باآفرینش انسان مرتبط میباشد. روی این محاسبه؛ نمیتوان اساس غضب را تخطئه کرد، بلکه وجود آن با زندگی انسان توأم میباشد؛ و همه بدگوییهای که درباره خشم میشود، همه و همه متوجه جنبه های افراطی آن میباشد، چه همانطوریکه غضب بیجا و بیمورد زشت و ناپسنداست، گاهی هم ترك خشم زننده و غیر منطقی میباشد.

### نیروهای شگرف شیطانی

اکنون مورد بحث بخوبی آشکار گردید، و معلوم شد که منظور از تخطئه غضب، موردیست که از میزان اعتدال خارج، و دستگاہ فکری و عقلی را مختل نموده باشد، در چنین موقعی سنجش و تعقل، جای خود را بمواطف و احساسات تعدیل نشده میدهد.

در نتیجه کارگاه عقل انسان دچار یک نوع رکودی میگردد. تصمیمات و استدلالات همه از مجرای احساسات و عواطف سیراب گشته، و از منطقی و عقل پرکنار می باشد. این چنین خشمی ناپسنداست و همین غضب زشت است، که علی (ع) از آن به نیروهای خطرناک شیطانی تعبیر فرموده است. در نامه ای که آنحضرت بحارث همدانی می نویسد، میگوید: از خشم و غضب بپرهیز؛ چه یکی از نیروهای قوی شیطان خشم است (۱).

یک مطالعه عمیق درباره سخنان پیشوایان دینی؛ این نکته را آشکار میسازد که تمام بدگوییها درباره خشم همه و همه نظر بجنبه های افراطی آن دارد، و ما در اینجا برای نمونه به برخی از آنان اشاره مینمائیم:

امام جعفر صادق (ع) از جدش علی (ع) نقل میکند که آنحضرت فرمود: بنده برگزیده خدا کسی است که چون دچار خشم گردد از راه راست انحراف نیابد، و چون بکاری راضی شود؛ این پذیرش و اقبال او را باطل نیندازد (۲).

در مورد دیگری حضرت علی (ع) میفرماید: مردان پارسا کسانی هستند که چون بخشم درافتند راه ستم نپویند (۳).

## دیوانگی آنی یادآئمی

در مورد خشم بیجا ؛ پس از سرد شدن احساسات داغ ، و بکار افتادن چرخ عقل و فکر ؛ حالت ندامت و پشیمانی در شخص عصبانی بوجود می آید ؛ و هر اندازه بدبختی و نکبت بشمرسد ندامت آن هم قوی تر خواهد شد ، ولی غضبی که از روی منطق عقلی بوجود آمده باشد ، پشیمانی بهمراه نخواهد داشت .

علی (ع) تندخویی و عصبانیت را نوعی از دیوانگی قلمداد فرموده است ؛ چه شخص تندخو از کرده خود پشیمان میگردد ؛ و اگر پشیمان نکشد دیوانگی او دائمی می باشد (۱) .  
این چنین خشم و غضبی ، مورد تنفر زعمای دینی قرار گرفته است ، و همین نوع خشم است ، که گاه باعث آلودگی های بسیار تند و وحادی میگردد ؛ و میتوان گفت که خشم هم مانند برخی از گناهان ، دارای دامنه بسیار وسیعی می باشد ، و از آن معاصی و گناهان بزرگ دیگری متولد میگردد ؛ که میتوان قتل و جنایت و امثال آنرا نام برد .

امام جعفر صادق (ع) میفرماید : غضب کلید تمام زشتی ها و بدی ها است (۲) .  
اصولا باید سعی کرد که انسان بچنین مرحله خطرناکی وارد نگردد و اگر نه رهایی و نجات از چنین بحران لغزنده کار بسیار سخت و صعبی میباشد .

(۱) نهج البلاغه (۲) اصول کافی و جامع السعاده .

## خرج کردن در راههای غیر مشروع

حضرت امیر المؤمنین (ع) فرمودند : بدانید که خرج کردن مال در راههای غیر مشروع ، اسراف است و این قبیل خرج کردن مال ، هر چند صاحب مال را درد نیا عزیز کند ولی او را در عالم آخرت ذلیل میگرداند ، و اگر روزی ورق برگردد و پای صاحب آن مال بلغزد و برقیقتانش محتاج شود همان رفیقان که بواسطه مال رفاقت مینمودند با وی بی و فائی خواهند کرد و بکمک او قیام نخواهند نمود .  
( نقل از نهج البلاغه )

اعلامیه حقوق بشر

ماده بیست و چهارم - هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص ؛ بمحدودیت معقول ساعات کار و مرخصیهای ادواری با اخذ حقوق ، ذیحق باشند .

اوقات شبانه روز را چگونه باید گذراند ؟

برنامه سعادت بخش

تقسیم اوقات از نظر علی (ع)

فلسفه این تقسیم

اثرات سوء ترک عبادت

تفریجهها و سرگرمیهای ملالت آور و مضر

آن آئین و مذهب می‌راند سعادت بخش دانست که حوائج و نیازمندیهای انسان راتنها از در پیچه‌های خاصی مطالعه نماید ، بلکه هر کدام از نیازمندیهای مادی و معنوی را از در پیچه‌های مخصوص بخودش نکریسته ، آنگاه با مقایسه بجنبه‌های دیگر آن ؛ عادلانه‌ترین و صحیح‌ترین راه‌ها را انتخاب و تشریح نماید .

مثلاً از نشانه‌های يك آئین سعادت بخش و جاوید ؛ در موضوع زناشویی ؛ اینست که ؛ نه بطور کلی ، مردم را از اعمال غریزه جنسی منع کرده ، و رهبانیت را لازم شمرد ، و نه آنها را در برقراری روابط زناشویی آزاد و لجام گسیخته و بی بندوبار سازد ؛ بلکه طبق شرائط و محدودیتهای خاصی ؛ این نیازمندی غریزی را تأمین کرده و این خواسته طبیعی و فطری را روی اصول انسانیت تعدیل نماید .

و همچنین از علائم درستی و صحت یک آئین جامع الاطراف ، نسبت بموضوع کار و زندگی



این نیست که بمردم اجازه دهد؛ بیکاری و تن‌پروری و بی‌علاقگی شدید بزندگی را شمار خود سازند و یا کار و کوشش شبانه‌روزی را که ممکن است خیلی سریع آنها را فرسوده ساخته و از جمیع معنویات و تمتعات صحیح زندگی محرومشان سازد؛ مجاز شمارد، بلکه یک‌دین صحیح آسمانی دین را باندیا؛ خلق را با حق، ماده را با معنی؛ کار را با فراغت جمع مینماید.

سخن کوتاه اینکه: قانونی که متضمن سعادت و سیادت جامعه بشریت باشد؛ هیچ‌گاه اجازه نمیدهد که مردم تمام اوقات خود را صرف معنویات کرده؛ از تمتعات و مظاهر زندگی بطور کلی بی‌بهره بمانند، و همچنین اجازه نمیدهد که تمام هم خود را مصروف دنیا و زندگی مادی کرده از کمالات معنوی و آرامش‌های روحی که از طریق دستورات اخلاقی و عبادت و توجه بمبدأ و معاد و ریاضتهای مشروع؛ حاصل میشود، بازمانند، بلکه در تمام امور، چه مادی و چه معنوی؛ رعایت تعادل و حد وسط را لازم می‌شمارد؛ هم دستور کار و کوشش میدهد، و هم استراحت و فراغت و تفریح‌های مشروع را ضروری اعلام مینماید و هم مردم را ترغیب و تحریص بمسائل مربوط بزندگی فردی و اجتماعی میکند...

ما این تعادل همه‌جانبه را در ابواب مختلف فقه اسلامی، از ظهارت گرفته تا دیات بخوبی می‌یابیم و همین خود بزرگترین نشانه آسمانی بودن این آئین مقدس میباشد.

### تقسیم اوقات از نظر علی (ع)

میان سدها و هزارها دستورات و تکالیف کلی و جزئی که اسلام برای پیروانش بعنوان وظیفه دینی مقرر فرموده که از همه آنها آثار حکمت و مصلحت هویدا است و رعایت تعادل و حد وسط در همه آنها دیده میشود؛ برنامه‌ای که بعنوان یک اصل کلی درباره تقسیم اوقات شبانه‌روز آورده و ما آنرا از لسان نخستین امام شیعیان علی (ع) ذیلاً نقل مینمائیم بهترین گواه مدعای ما است.

ابن ابی‌الحدیث معتزلی در جلد چهارم شرح نهج البلاغه از علی (ع) نقل میکند که آنحضرت فرموده است: «للمؤمن ثلاث ساعات فساعة یناجی فیها ربه، و ساعة یرم فیها معاشه، و ساعة یتخلی بین نفسه و بین لذاتها فیما یحل و یحرم، و لیس للعاقل ان ینکون شاخصاً الا فی ثلاث: هرمة لمعاش، او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم» یعنی: شخص مؤمن بایستی اوقات شبانه‌روزی خود را سه قسمت تقسیم کند، قسمتی از آنرا در راز و نیاز با پروردگارش (عبادت) صرف کند و قسمتی دیگر را درباره معاش و کارهای مربوط بزندگیش اختصاص دهد، و قسمت باقیمانده را هم در خواب و خوراک و استراحت و تفریح و امثال اینها مصرف کند (البته بایستی در نظر داشت که این تقسیم برای آن نیست که پی‌درپی انجام

گیرد ، بلکه مراد آنست که در هر شبانه روز سه قسمت گردد و هر قسمتی از آنرا اختصاص بیکى از امور فوق دهد) و برای خردمند روانیست که جز برای یکى از سه امر ذیل حرکت کند :

۱- برای اصلاح و تأمین زندگی ۲- برای امور مربوط با آخرت ۳- برای تفریح سالم و آنچه که حرام و ناروانیست (۱) .

### فلسفه این تقسیم

ناگفته پیداست که انسان زنده احتیاج بنذا ؛ مسکن ؛ لباس ، همسر و دیگر از لوازم زندگی دارد و این نیازمندیها بدون کوشش و فعالیت تأمین نخواهد شد ، روى همین جهت ، بشریت از روز نخست برای بقاء و حفظ موجودیت خود ، در صراط کار و فعالیت افتاد و قسمتی از استراحت و فراغتش را برای تأمین نیازمندیهای ضروری زندگی ، صرف کار و کوشش نمود و بدینوسیله خود را از زیر بار ذلت سر بار دیگران بودن رها نید و با تشکیل زندگانی آبرومندانانه و تأمین احتیاجات خود و فرزندان و خانواده اش رونق خاصی بحیات خویش بخشید .

همچنانکه ضمن ماده ۲۳ اعلامیه بیان شد ، اسلام نیز مردم را دعوت بکار و کوشش می نماید و از بیکاری و تن پروری و سر بار جامعه شدن ، شدیداً نهی و سرزنش میکند (۲) اسلام میگوید « کسیکه برای اداره امور خانواده اش ؛ زحمت میکشد ، کار میکند ؛ رنج میبرد مانند سر بازیکه در راه خدا جهاد میکند ، پاداش داده می شود» (۳)

از امام پنجم (ع) نقل شده که فرموده است : « من دشمن دارم کسی را که در کارهای مربوط بدنیایش سستی و کسالت بورزد و هر کس که در انجام کارهای مربوط بدنیایش تنبل باشد ، بی شک در انجام کارهای مربوط با آخرتش تنبل تر و کسل تر خواهد بود» (۴)

بنابراین لزوم کار و فلسفه آن بقدری روشن است که نیازی بتوضیح بیشتر ندارد؛ آنچه که لازم است درباره آن صحبت شود ؛ فلسفه استراحت و فلسفه عبادت است .

### علل و نتایج تفریح ؟

دانشمندان روانشناس و جامعه شناس ، درباره منشأ علت نیازمندی بشر به تفریح و استراحت ، نظریه های مختلف و در عین حال دقیق و قابل توجهی داده اند . کارل گروس در کتاب « بازی مرد » می نویسد : « بازی انسان مانند بازی حیوانات از یک نیاز فطری بفعالیت ریشه می گیرد و وظیفه اساسی در دوران طفولیت آماده ساختن کودکان برای دوران جوانی است ... »

(۱) ج ۴ شرح نهج البلاغه ص ۵۶۹ (۲) ملمون من القی کله علی الناس کافی ج ۵

ص ۵۰ (۳) کافی ج ۵ ص ۸۸ (۴) کافی ج ۵ ص ۸۵

هربرت اسپنسر عقیده دارد : «انسان برای‌ها ساختن و آزاد کردن نیروی اضافی خود ؛ بازی و تفریح می‌کند» .

**کیمبال یانگ** معتقد است : «این تفریحا و سرگرمیا با افراد اجازه می‌دهد که برای چند ساعتی ؛ از زیر بار مسئولیت و تعهدات خود بعنوان پدیا فرمان بردار جامعه برهند و با دخول در یک دنیای رؤیائی ، از دلهره و نگرانی‌رهائی یابند» .

«فروید» می‌گوید : «عامل اصلی در بازیها و تفریحا حس و انمود کردن و برتری-جستن است»

«روس» اینطور نظر می‌دهد : «ولع انسان امروزی برای بازی و تفریح بیش از هر چیز ناشی از طرز زندگی اوست که منجر به تحریک و آزدن غرائز وی می‌گردد، یکنواختی و فقدان لطف و نشاط و شرایط کار در دنیای کنونی موجب اختناق غرائز می‌گردد و در نتیجه عشق ب تفریح را بوجود می‌آورد»

«ساموئیل کنینگ» جامعه‌شناس آمریکائی و مؤلف کتاب «جامعه‌شناسی» در میان تمام نظریه‌هائیکه درباره منشأ و علت تفریح گفته شده ، نظریه موریتز لازروس ، روان‌شناس آلمانی را می‌پذیرد که می‌گوید : «آنها تیکه تفریح را به نیاز انسان برهائی از خستگی جسمانی و روحی نسبت می‌دهند ، قابل قبول تر است» (۱)

ظاهراً نظریه ساموئیل کنینگ ، جامع‌تر و اساسی‌تر بنظر میرسد زیرا جای هیچ‌گونه تردیدی نیست که یک‌دنده کار کردن و شبانه روز اشتغال بکارهای جسمی و فکری داشتن احتیاج صرف انرژی و نیرو دارد و بالاخره نیروهای ماشین وجود انسان رو به نقصان خواهد گذارد و موجب از بین رفتن تعادل و فرسوده شدن و تحلیل رفتن قوای جسمی و دماغی خواهد گردید. از اینجهت برای هر فردی ضروری و لازم است که برای تجدید قوی و بدست آوردن نشاط تازه‌تری ، استراحت ، فراغت و تفریحا مناسب و مشروعی داشته باشد و پیغمبر اسلام نیز فرموده است : «الغوا و العبوا فانی اکره ان یری فی دینکم غلظة» یعنی : تفریح کنید زیرا که من دوست ندارم در دین شما خشونت دیده شود» ؛ (۲)

در ذیل روایتیکه از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره تقسیم اوقات نقل شده ، طوری فلسفه و فائده استراحت بیان شده که بهترین نظریات علمی در این زمینه با آن قابل تطبیق است زیرا در ذیل آن بنقل کافی اینطور دارد : «فانها عون علی تلك الساعتهین» یعنی استراحت و تفریح ؛ وسیله تجدید نشاط و کمکی برای دو ساعت دیگر که عبارت از کارهای

(۱) نقل از کتاب جامعه‌شناسی فصل تفریح

(۲) نهج الفصاحة ص ۱۰۵

عبادی و فعالیت‌های زندگی است ، میباید (۱)

این عبارت بخوبی میفهماند که سر نیازمندی انسان به استراحت و تفریح همانا تحلیل قوی و نیرواست و فائده آن نیز تجدید نشاط و تحصیل قوای ازدست رفته است بنا بر این همانطور که بعداً هم بیان خواهد شد ، اوقات فراغت را نباید در تفریحا و سرگرمیهای مصرف کرد که جز افزایش کسالت جسم و ملالت خاطر ، اثر عقلانی دیگری ندارند .

### چرا باید عبادت کرد ؟

انسان موجود فراموشکاری است ، گرچه این صفت فراموشی برای رونق و نشاط زندگی فردی و اجتماعی او ضرورت دارد ولی در عین حال چه بسا ممکن است او را از هدف اصلی زندگی که عبارت از وصول به مدارج عالی انسانیت و پیوستن بجهان جهان (خدا) است بازداشته ، انواع فضائل و ملکات عالی انسانیت را در آدمی میراند . رذائل اخلاق را جای - گزین آنها سازد از این جهت یک قسمت مهم از برنامه‌های انبیا ، مربوط باموریست که آدمی را از این غفلت و فراموشی نجات میبخشد و او را به منظور اصلی زندگی توجه میدهد و در لسان شرع بنام «عبادت» خوانده میشود .

عبادت و توجه خاص بخدا ، در حقیقت وسیله‌ای برای تطهیر و تزکیه نفس و یادآوری از هدف مقدس زندگی است . آدمی در میدان زندگی ، گرفتار هزاران عوامل مادی است که او را از منظور اصلی آفرینش و توجه بخدا دور میسازد ؛ لیکن همین عبادتها ؛ نمازها ، روزه‌ها ؛ حج‌ها ؛ جهادها ... است که هر کدامشان با داشتن هزاران حکمتها و مصالح گوناگون عقربك روح انسانرا از این انحرافهای خطرناك نجات بخشیده متوجه خدا ، ملکات فاضله ، هدف آفرینش .. میسازد .

بنا بر این عبادت که عبارت از یک سلسله کارهای مخصوصی است که روی خلوص و قصد تقرب بخدا انجام میگیرد ؛ بهترین وسیله‌ایست که انسان را از تجاوز بحق دیگران و شانه خالی کردن از زیر بار تکلیف فردی و اجتماعی و داشتن ملکات رذیله اخلاقی بازداشته ، از پلیدیها پاک و بفضائل اخلاق آراسته اش میسازد .

### اثرات سوء ترك عبادت

با در نظر داشتن مطالبی که درباره فلسفه و فوائد عبادت گفته شده ، این حقیقت نیز کاملاً روشن خواهد بود که توسعه و گسترش اینهمه جرائم و جنایات ؛ کشمکشها و مخاصمات قتل و خودکشی ؛ تجاوز و دزدی ... نتیجه بریدن این رشته اتصال و پیوند بندگی با جان

جهان است .

و قتیکه مردمی هدف اصلی زندگی را فراموش کردند و از آن ، جز خور و خواب و خشم و شهوت ، منظور دیگری نداشتند ، مظاهر فریبنده مادی پرده غفلت روی چشم خرد آنان کشید ، و عامل نیر و مندی که آنان را از این غفلت خطرناک نجات بخشد ، وجود نداشت ؛ چه جای تمجب است که در یک کشور ۲۷۰ میلیون نفری آمریکا ؛ در هر دقیقه یک خودکشی ، و در هر ۲۵ دقیقه یک جرم بزرگ و در هر ۲۴ ساعت سی قتل نفس ؛ پنجاه عمل منافی با عفت با عفت و غلبه ؛ هفتصد و سی فقره سرقت بزرگ و بالغ بر سه هزار سرقت کوچک و بطور خلاصه در سال بالغ بر یک میلیون و پنجاه هزار جرم ۱ واقع شود ؛ (۱)

چرا بخاطر خودکشی یک ستاره سینما در مدت سه روز ، شش نفر خود را نکشند ؟ (۲)  
چرا جرائم و جنایاتی واقع نشود که از خواندن آنها موبهت انسان راست گردد ؟  
چرا دنیا در اضطراب و ناامنی واقع نشده ؛ مردم مانند گریه بجان یکدیگر نیافتند ؛ چرا و چرا و چرا ؟ آیا این همه بدبختیها ئیکه اکنون دامنگیر بشریت شده ، و این همه کشمکشها و هرج و مرجی که در جامعه پدید آمده ؛ معلول مستقیم و یا غیر مستقیم لغو عبادت و گسستن پیوند بندگی نیست ؟ کسیکه از مدت ۲۴ ساعت قسمتی را در عبادت و راز و نیاز و توجه بخدا ؛ بسر میبرد ، آیا او حاضر است مرتکب گناه و معاصی گردد ؟ مسلم پاسخ منفی خواهد بود .

### تفریحها و سرگرمیهای مضر

شکی نیست که بیکارهای مداوم با مشکلات ، و فراغتها و بیکاریهای زیادیکه زندگی ماشینی و صنعتی بپارا آورده به علاوه میل طبیعی و غریزی که در نهاد افراد بشر است و آنها را وادار با استراحت و تفریح میکند ، عواملی است که خواه ناخواه مردم را وادار میکند که سرگرمیها و تفریحهای مناسبی برای خودشان فراهم سازند تا بدینوسیله هم نیروهای اضافی خود را بمصرف رسانند و هم میل طبیعی به تفریح را راضی نگهدارند و هم دمی خود را فراموش کرده ، با تحصیل نیرو و تجدید نشاط ؛ از این آلام روحی و ناراحتیها و خستگیهای جسمی و روحی بدر آیند

ولی متأسفانه بجای آنکه مردم اوقات فراغت و بیکاری را برای تحصیل نیرو و تجدید نشاط مصرف سازند ، از تفریحهای اختیاری و اجتماعی مناسب و مشروع ؛ استفاده نمایند بیکارها و سرگرمیهای مضر و ملالت آوری از قبیل قمار و غیره میپردازند و از این راه بر (بقیه در صفحه ۷۱)

(۱) تفصیل این نوع بحثها را بایستی از کتاب «بلاهای اجتماعی قرن ما» بدست

آورد (۲) کیهان ۲۰ مرداد ۱۳۴۱ .



## وقتی آزادی عقیده غلط تفسیر میشود!

اخیراً فرقه‌ای در آمریکا به وجود آمده که عبادات مذهبی خود را بوسیلهٔ «مار» انجام می‌دهد... این فرقه یک نوع حالت پرستش نسبت به مار دارند و مراسم آنها اینست که چندین مار قویهیکل را داخل یک جعبه قرار داده و بکلیسای محلی که پیروان فرقه در آن ساکن هستند می‌آورند سپس پیروان در کلیسا جمع شده زن و مرد اورادی می‌خوانند و سپس در جعبه را باز کرده و مارها را که در حال لولیدن هستند از جعبه خارج می‌سازند و دست بدست می‌گردانند! اعضای این فرقه به پزشک و دارو عقیده ندارند! هر گاه مریض شوند برای او آنقدر دعا می‌خوانند تا اذ درد می‌میرد!

اعضای این فرقه وقتی بدرجه اجتهاد و رهبری خواهند رسید که سم مار را با شربت مخصوصی مخلوط کرده و بی‌محابا بنوشند و اثری در آنها نکند! (اطلاعات ۴۲/۸/۸)

مکتب اسلام: آزادی عقیده نظریه مترقیانه‌ایست ولی وقتی اینطور غلط تفسیر شود تا آنجا که در میان ملتی که خود را «سومل» تمدن و پیشرفت می‌داند جمعیت‌هایی بنام آزادی عقیده پرستش‌مار! کنند و در حقیقت دوران گذشته بت پرستی و حیوان پرستی بشر را تجدید کنند! آنوقت همین نظریه عالی‌مایه بدبختی و عامل شیوع خرافات خواهد شد و برای بشریت زیان بخش!

## رجال سیاست اروپا و عقائد خرافی!

روزنامهٔ اطلاعات شماره ۴۲۸۹۹ بمناسبت انتخاب شدن نخست‌وزیر جدید یکی از ممالک بسیار معروف اروپا بنمایندگی مجلس عوام آنکشور، می‌نویسد:

نخست‌وزیر... برای پیروزی در انتخابات به سگربه شانس متوسل شده است!

يك گربه سیاه مصنوعی باندازه گربه طبیعی از طرف يك دختر ۷ ساله اسكاتلندی به نخست وزیر ... که برای انتخاب شدن به نمایندگی مجلس عوام از اسكاتلند به اینجا آمده بود تقدیم شد ! گربه سیاه که در سراسر جهان غرب علامت بدبختی است ! نزد اسكاتلندیها علامت خوشبختی شمرده میشود ! نخست وزیر مذکور به دختر ۷ ساله گفت این طلسم من است ! و من آنرا در همه هیازات انتخاباتی همراه خود خواهم برد ...

مکتب اسلام : آیا تعجب آور نیست که در عصر فضا ! طبقه سیاستمدار يك کشور معروف هم اینطور اسیر پیچہ خرافات باشد ؟ شاید مسیحیت رایج و تحریف شده کنونی که مذهب این کشورهاست خود با ترویج اصولی نامفهوم و خرافی مانند اقا نیم سه گانه ، تقسیم بهشت و جهنم ! آمرزیدن گناهان از طرف پدران روحانی ! بخورد دادن گوشت و خون عیسی مسیح (ع) در غذای مخصوصی به مسیحیها ! به شیوع این نوع خرافات کمک میکند ! و آنکه مشاهده این وضع موجود ثابت میکند که هرگز تمدن خشک صنعتی قدرت تربیت معنوی و فکری بشر را ندارد و این مذهب است که باید این وظیفه سنگین و پر مسئولیت را بعهده بگیرد

## سینما و فیلم در ایران !

یکی از مجلات هفتگی مینویسد :

طبق آماریکه در دست است مردم تهران هر ماه بیش از ۲۳۰ میلیون ریال (۴۴ میلیون تومان) پول سینما میدهند ... تازه سال پیش تعداد افراد سینما رو خیلی محدود بود و سینماها هم از تعداد انگشتان تجاوز نمی کرد و مجموع افرادی که هر روز سینما میرفتند ۵۰ تا ۸۰ هزار نفر بودند اما امروز تعداد سینما رها بین ۳۵۰ تا ۴۰۰ هزار نفر در روز میباشد ...

ظرف دو سال گذشته ۱۸ سینمای جدید ولو کس در تهران ساخته شده است هم اکنون هم ۱۲ سینمای دیگر در دست ساختمان است ، طی همین سالها در شهرستانهای مختلف ایران نیز ۹۴ سینما تأسیس گردیده است . هر سینمای جدید التأسیس تا شش ماه پس از افتتاح از پرداخت عوارض شهرداری و مالیات معاف هستند این بخشودگی در حدود ۱۵ میلیون ریال یعنی کمی بیشتر از مخارج ساختمان سینما ، سود عاید صاحب آن میکند .

مخارج پرسنلی ، کادر فنی و هزینه های متفرقه یک سینما در ماه حداکثر ده هزار تومان می باشد در حالیکه فروش ماهانه آن بیش از نیم میلیون تومان است و این نیم میلیون پس از کسر عوارض شهرداری بین صاحب سینما و صاحب فیلم تقسیم میشود .

قیمت یک فیلم بین ۲ تا ۷ هزار دلار می باشد ، در حدود ۲۰ هزار تومان هم برای دوبله

آن خرج می‌گردد و روی این حساب عالیت‌ترین ۱ فیلم روزمجموعاً ۷۰ تا ۸۰ هزار تومان برای صاحب‌سینما تمام می‌شود، همین فیلم پس از یکماه نمایش در تهران در حدود ۷ برابر قیمت تمام شده خالص؛ سود بچیپ مدیران سینماسر ازیرمینماید و بانمایش دادن آن در شهرستانها مجموعاً بیش از یک میلیون تومان سود بدست می‌آورند.

**مکتب اسلام:** بجای اینکه این سرمایه‌های کلان در راههای تولیدی مصرف شود به بینید درجه راههایی صرف می‌گردد؛ تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

## دومهندس تحصیلکرده آلمان هنگام سرقت

دستگیر شدند

اطلاعیه شهر بانی کل کشور حاکیست که این دومهندس اعتراف کرده‌اند تا بحال بیست فقره سرقت کرده‌اند

امروز این اطلاعیه از طرف شهر بانی کل کشور صادر شده است:

با کمال تأسف با اطلاع اهالی محترم میرساند که اخیراً عناصر تحصیل کرده و کسانیکه چندین سال از عمر خود را صرف کسب علم و دانش کرده و اصولاً میبایستی از لحاظ خدمت با اجتماع و شرافت سر مشق سایرین باشند بیاندسارقین اضافه شده‌اند و به عهده ما کنین محترم پایتخت است که از هر جهت مراقب بوده و درین باره حتی به نزدیکان و معاشرین خود بیشتر از حد لازم اعتماد نداشته باشند که اینک ما اینک دو نفر آقایان بنام... مهندس راه و ساختمان فارغ التحصیل از کشور آلمان و... مهندس ساختمان که آنهم تحصیل کرده کشور آلمان است در حین ارتکاب سرقت از مطب آقای دکتر میر سپاسی و مطب آقای دکتر عنایت دستگیر گردیده‌اند و دستگیر شدگان ب ماورین تحقیق اعتراف کرده‌اند که تا بحال مرتکب بیست فقره سرقت شده‌اند هر دو متهم با پرونده امر بمقامات قانونی تسلیم گردیده‌اند.

اطلاعات ۱۱۲۹۲

**مکتب اسلام:** مسلماً هر فرد ایرانی از خواندن این خبر در جراند کثیرالانتشار کشور در خود کمال ناراحتی و عدم رضایت احساس می‌کند، چندین سال متمادی تحصیل در اروپا و احراز مقام مهندسی و عاقبت کار بیست فقره دزدی چه ارتباطی با هم دارند؟! این خبر زنک خطرا بصدا در آورده حکایت از این میکند که قشر تحصیلکرده و اروپادیده کشور نیز در آستانه سقوط و انحطاط اخلاقی قرار دارد، ما با اظهار کمال تأسف از اینگونه جریانهامیدواریم این زنک خطر مسئولین امور را متوجه اوضاع اخلاقی تحصیلکرده‌ها سازد و آنها بیش از اینکه در فکر فرستادن دسته‌دسته جوانهای کشور به اروپا باشند در درجه اول مراقب حالات



روحی و اخلاقی آنها شوند؛ البته در میان طبقه تحصیل کرده ما افراد لایق و مهندب و پاک فراوانند ولی وجود افراد فاسد (هر قدر هم کم باشد) در میان آنها باعث ناراحتی شدید همه است مسلماً اگر در طرز تعلیم و تربیت کنونی تجدید نظری نشود این موارد هم از بین خواهد رفت

### بدون شرح

## تولید هر وئین در داخل کشور افزایش یافته

مقامات مسئول می گویند: امسال تولید هر وئین در داخل کشور نسبت به سه سال قبل افزایش یافته و اینکه به نسبت سالهای پیش کمتر از خارج بطور قاچاق هر وئین وارد کشوری شود

خبرنگار ما گزارش می دهد که در حال حاضر ۴۰ تن تریاک و ۲۵ کیلو هر وئین ۱ در انبار اداره کل نظارت بر مواد مخدره ضبط و موجود می باشد در سال ۱۳۴۰ طبق آمار موجود ۸ تن تریاک کشف شده است در سال ۴۹ این رقم به ۱۳ تن رسیده و از اول سال ۴۴ تا کنون ۱۴ تن تریاک قاچاق کشف گردیده است؛ در سال ۴۰ جمماً ۴ کیلو هر وئین کشف شد در سال ۴۱ این رقم به ۸ کیلو رسید و از فروردین سال جاری تا کنون نزدیک ۷ کیلو هر وئین کشف شده است

### از مرز هیآید

بیشتر تریاکهای کشف شده از مرزهای ترکیه و افغانستان بدست آمده است از ۱۴ تن تریاک مکشوفه سال ۴۹ شش تن از مرز ترکیه شش تن از مرز افغانستان و ۳ تن از داخل کشور کشف شده است

ارقام بین المللی نشان می دهد که در همه کشورها فقط ده درصد قاچاق کشف می شود بنابراین از هر صد تن تریاک که بطور قاچاق وارد کشوری شود فقط ده تن آن بوسیله ماورین کشف می گردد و ما بقی از طریق قاچاق بین مصرف کنندگان توزیع می شود ..

طبق اظهار نظر پزشکان اعتیاد جدید به تریاک در سالهای اخیر کمتر دیده می شود ولی در عوض چون استعمال هر وئین آسانتر است تعداد افراد معتاد به هر وئین افزایش یافته است ۱  
«اطلاعات»

# فرهنگ اسلامی در چین

کتاب «اسلام - صراط مستقیم» که مشتمل بر یازده بخش سودمند می باشد بهمت والای آقای دکتر و مورگان، تألیف شده است . هر بخشی از این کتاب را یکی از دانشمندان ممالک مختلف اسلامی که صلاحیت اظهار نظر در امور دینی دارند برشته تحریر در آورده است و ما از میان آنها بخش «فرهنگ اسلامی در چین» را که از لحاظ اهمیت بمنزله کتاب مستقلی است برای تالخیص در نظر گرفتیم، نویسنده این بخش آقای «داود سی . ام . تینگ» عضو کنسولگری جمهوری چین در بیروت و پیشوای جامعه مسلمین و از سخنوران نامی آن کشور می باشد که تحصیلات خود را در دانشگاه «الازهر» مصر بپایان رسانیده . وی در این بخش مطالب بسیار سودمندی را از قبیل : تاریخ ورود اسلام به چین ، طلوع و غروب اسلام در چین ؛ آمار مسلمین ، تشکیلات دینی مسلمانان در چین . اسلام و کنفوسیوس و بودا و تائو ، فرهنگ آموزش و پرورش مسلمانان چین و ... مورد بررسی قرار داده است و آقای سید مهدی امین آنرا بفارسی ترجمه کرده است

## ورود اسلام به چین :

در کشور چین که یکی از پرجمعیت ترین ممالک دنیا محسوب می شود ؛ اسلام بیش از سایر ادیان و مذاهب موجود در آن مملکت ؛ در پیشرفت فرهنگ و اقتصاد و صنمت چین نقش مؤثری داشته است .

برای اینکه تأثیر اسلام در شئون مختلف مملکتی آنجا روشن شود لازمست از آغاز ورود اسلام به چین تا عصر حاضر تطورات و حالات مختلف اسلام و موقعیت آنرا در میان ادیان دیگر و سایر

تشکیلات آنجا را مورد بررسی قراردهیم .

در تاریخ ورود اسلام به چین میان مورخین چینی اختلاف است و آنچه که از بعضی از سائنامه‌های چینی استفاده می‌شود این است که اسلام در حدود ۳۱۹ هجری در زمان عثمان بتوسط هیئتی مرکب از ۱۵ نفر بسر پرستی سعد بن وقاص وارد چین شده است .

این هیئت از راه اقیانوس هند به بندر «کوانگ چو» وارد شده و بعد بشهر مرکزی چانگان رفته با تحف و هدایائی بدربار خاقان باریافته و ایشان را بقبول کردن دین اسلام دعوت کرده اند . خاقان نیز پس از مطالعه در این دین و مقایسه آن با تعلیمات کنفوسیوس و موافق دیدن بعضی از تعلیمات آنرا با آئین کنفوسیوس اجازه تبلیغ دین اسلام و ایجاد مساجد را در آن مملکت صادر می‌نماید و بعد از آن مسجدی در «سیان جدید» بوسیله مسلمانان بنامی شود . بدنبال این هیئت دینی پنج یاشش هیأت دیگر تبلیغی بنام تازیان سفیدپوش و سیاه پوش در زمان خلافت امویان و عباسیان که روابط دوستانه بین امپراطور اسلام و چین توسعه زیادتری پیدا کرده بود با هدیه‌های گرانبهای بدربار خاقان چین آمدند .

علاوه بر این هیأت‌ها در مدت ۱۵۰ سال که از عمر ورود اسلام به چین می‌گذشت گروه زیادی از تجار مسلمان عرب و ایران از راه دریا و خشکی بمنظور تجارت و بازرگانی بشهرهای مختلف چین از قبیل بندر «کوانگ چو» و نقاط شمالی و شهرها ننگ چو» وارد شده و در آن کشور اقامت گزیدند .

اسلام از راه خشکی نیز در میان قبائل شمال غربی چین که توسط سپاهیان اعراب منکوب شده بودند نفوذ پیدا کرد و در عصر سلطنت خاقان «تسوان تسونگ» ( ازدودمان تانگ ) در این منطقه از چین در حدود هشت هزار سرباز جنگی مسلمان آماده پیکار بودند و خاقان تسوان تسونگ « بوسیله همین سربازان مسلمان بر شورشیان قبایل شمال غرب چیره شد و سربازان مبارز و دلیر مسلمان آنروز را پیاداش این خدمت مورد تکریم قرار داد و زمین های زراعتی برای کشت و زرع بآنها اعطاء کرد و سهولتی در امور زندگانی آنان ایجاد نمود و این پیش آمد هادر اشاعه دین اسلام در آن نواحی تأثیر فراوانی داشت .

### عصر طلائی اسلام در چین

در دوره سلطنت دودمان تانگ و سونگ جمعیت مسلمانان چین باسانی رو بتزاید گذاشت و قدرت فوق العاده‌ئی بدست آوردند زیرا دستکاه حاکمه وقت چون لیاقت و کاردانی آنها را در تجارت و کشورداری مشاهده می‌کردند آنها را مورد تشویق قرار می‌دادند ، بخصوص در دوران حکومت نودساله دودمان «یوان» که مؤسس آن «قوبیلای قآن» بود پیشرفت بسزائی

نمودند زیرا رفت و آمد در سراسر مملکت چین برای مسافران داخلی و خارجی از هر جهت آزاد شده و عده‌ای از تجار و پزیشکان و افسران و صاحب‌منصبان سایر ممالک اسلامی ؛ بچین مسافرت کرده و چون افراد لایقی بودند در ادارات لشکری و کشوری وارد شدند و بقول «رشید الدین فضل‌الله» مورخ ایرانی «هشت حاکم از دوازده حاکم دوازده بلوک چین مسلمان بودند» و بنا بر نوشته پرفسور «تینگ بشو» و «مورخ نامی چین» متجاوز از سی نفر از مسلمانان شخصیت‌دار در دربار پکن داخل شده و حکومت نه‌ایالت چین را بدست گرفتند چنانکه فرمانده کل نیروهای اعزامی مغول به‌چوان و حکومت همان ایالت شخصی بنام «سید اجل» بود که خدمات گرانبهایش بچین مورد ستایش تمام اهالی چین است .

پس از انقراض دودمان «یوان» بدودمان «مینگ» زمام امور کشور چین را بدست گرفت و در عصر سلطنت این دودمان که بالغ بر سه قرن میشد نفوذ مسلمانان رو به‌تزايد گذاشت ولی این وضع دیری نپایید که توسط اقلیت منچوها برهم خورد و منچوها قریب ۲۷۵ سال در چین زمام امور مملکت را در دست گرفته و رویهٔ بیرحمانه‌ای نسبت بمسلمانان و سایر فرق موجود در آنجا در پیش گرفتند زیرا مسلمانان خواستار اعادهٔ دودمان مینگ بودند و در مدت ۵۴ سال چهار شورش بزرگ توسط مسلمانان علیه منچوها صورت گرفت و در اثر این مبارزات دامنه‌دار اکثر مسلمانان از هستی ساقط و روحیهٔ آنها بکلی شکسته شد و از دخالت در امور دولتی و سیاسی کنار کشیدند تا اینکه خاندان سلطنتی از جمله دودمان «چینگ» که چند قرن بر مردم چین حکومت می‌کردند بمقوسط دکتر «سون پات‌سن» مؤسس جمهوری چین بکلی منقرض گردید و مسلمانان روح تازه‌ای یافتند زیرا جمهوری چین سیاست ملایم‌تری نسبت بمسلمانان در پیش گرفت و مقامات جمهوری چین در طی نطق‌های خود میگفتند که این حکومت متعلق به پنج نژاد چینی : هان، مان (منچو) ؛ منگ (مغول) هوی (مسلمان) ، تساتک (تبتی) میباشد ، از این جهت مسلمانان دوباره وارد امور کشوری شدند ولی از وقتیکه خاک اصلی چین بدست کمونیستها افتاد مسلمانان ( روحانیون و مردم مسلمان ) بجزیرهٔ تایوان که اکنون موسوم بفرمز است مسافرت کردند و اتحادیهٔ مسلمانان چین را در آنجا ترتیب داده و بمبارزهٔ خود علیه کمونیستها ادامه می‌دهند .

### آمار مسلمانان چین

آمار مسلمانان چین بطور دقیق معلوم نیست ولی آماری که در سالنامهٔ ۱۹۴۸ که در شهر «چونگ کینگ» انتشار یافته تعداد جمعیت مسلمانان چینی را در حدود ۴۸۱۰۴۰۰۰ نفر ذکر میکنند و انتشارات رسمی دولتی آنرا تأیید می‌کنند اگر جمعیت مردم چین را ۵۰۰ میلیون

نفر فرض کنیم تعداد مسلمانان چین ۱۰ درصد آنها را تشکیل می‌دهد این عده از مسلمانان در ایالات شمال غربی و شمال شرقی و در شهرهای «هوانان هوپی»، «شان تونگ»، «سچوان» و ایالت آنهوی و در ایالات کیانگو، چکیانگ، فو کین و کوانگ تونگ و... سکونت دارند و تعداد ۳۶ مسجد از طرف مسلمانها در شهر تانگینگک بنا شده است و در جزیره «تایوان» طبق آمار موجوده در حدود ۶۰۰۰ هزار مسلمان بکسب و کار خود مشغول اند. مسلمانان در چین بتجارت ماهیگیری، جواهر فروشی؛ بمعاملات چای، چرم و خز و تربیت حیوانات اهلی و کشت و زرع و طبابت و معلمی و... اشتغال دارند.

### اسلام و سایر مذاهب

مردم چین پیرو ادیان و آئین‌های مختلفی هستند: آئین کنفوسیوس و تائو بودا و ادیان اسلام، یهود و نصاری. آئین کنفوسیوس و تائو بودا در واقع از مکاتب فلسفه اخلاق و آراء سیاسی بشمار می‌روند و از این جهت است که خود کنفوسیوس اقرار نمود که «کار من بیشتر نقل و تحویل است نه ایجاد و ابداع و من بقدماء و نیاکان ایمان دارم»؛ کنفوسیوس اخلاقیات خود را بر روی پنج رابطه اخلاقی؛ صدق، صفا، تسلط بر نفس؛ حفظ رسوم اجداد گذشته و سعی در کسب تقوی و فضیلت قرار داده است لائوتزه مؤسس تائوئیسم آئین خود را نیز بر اساس اخلاقیات و طرز اعمال مردم نسبت بهمدیگر بنا نهاده است وی در تعلیمات خود پیروان خود را بر پیروی از طبیعت و عدم مداخله در کار طبیعت و تهذیب نفس و دوری از حسادت و همچشمی و... دعوت می‌نماید.

آئین بودا نیز با اینکه در تحت حمایت دولت در میان مردم چین نفوذ زیادی پیدا کرد و مسلمین نیز در اثر قطع بودن روابط آنها با سایر ممالک اسلامی تحت تأثیر تعلیمات بودا قرار گرفتند و در بعضی از آداب بودا پیروی کردند چنانکه مساجد خود را بشکل معابد بودائی و کنفوسیوسی میساختند ولیکن اسلام با هیچ یک از این آئین‌های سه گانه سازگار نیست زیرا آنها پیروان خود را پیوسته بتها و هیاهای تشویق میکنند و اصول آئین خود را در جنبه های مادی زندگی بشری محدود ساخته اند ولی اسلام بخدای یگانه ای که دارای شکل و وضع نبوده و زمانی و مکانی ندارد معتقد میباشد و از پرستش بتها و هیاهای پیروان خود را منع می‌کند و نسبت بآینده نیز نظر مخصوصی دارد.

### تشکیلات دینی مسلمانان:

مسلمانان چین عموماً سنی و مطابق فقه حنفی عمل می‌کنند و عقاید آنها بمرور زمان در اثر کمی ارتباط با سایر مسلمین خارج از چین و فقدان رهبران دینی شایسته انحرفاتی پیدا

کرده و باخراقات مخلوط گشته است ولی عده‌ای از علمای آنجا بعد از مسافرت بخارج چین از قبیل مکه ، مصر ؛ ترکیه و مطالعه در تشکیلات فرهنگی آنها آوازه اصلاحات در تشکیلات دینی را در داخل کشور خود شروع کردند و عده دیگر از علما با آنها بمخالفت برخاستند و بدین ترتیب علمای مسلمانان چین بدو فرقه تقسیم شدند ۱- فرقه جدید که طرفدار اصلاح در سازمان امور دینی هستند . ۲- و فرقه قدیم که مخالف تحول و اصلاح در تشکیلات دینی و اکنون فرقه قدیم در اقلیت قرار گرفته اند .

در چین از سال ۱۳۳۹ که تاریخ تأسیس جمهوری در چین است سه سازمان بمنظور متحد کردن مسلمانان چین و پیشرفت اسلام ایجاد شده است :

۱- « جامعه مسلمین ترقی خواه چین » که در سال ۱۳۳۲ هجری در پکن توسط آخوند « وانگ هائو » تأسیس یافت ؛ اولین هدف وی اضافه کردن چند ساعت درس عربی و تفسیر قرآن در ساعات درس مدارس ابتدائی بود ولی چون از مسیر اصلی خود منحرف شد و رنگ سیاسی بخود گرفت تلاشی شده از بین رفت .

۲- « اتحادیه مسلمانان چینی » که در آغاز جنگ چین و ژاپن در سال ۱۳۵۶ هجری بتوسط یک فرماندار مسلمان تأسیس یافت ؛ هدف از تشکیل این سازمان جلب مساعدت دول اسلامی برای مبارزه با قوای ژاپن بود .

۳- « انجمن ادبی مسلمانان » که در سال ۱۳۴۵ هجری در شهر شانگهای بوسیله حاجی جلال الدین هاتهنجنگ تأسیس یافت این انجمن از سیاست دوری می کرد ؛ مهمترین برنامه این انجمن ترجمه قرآن بزبان چینی بود ؛ این انجمن نشریه ای بنام « مجله ماهانه مسلمانان چین » منتشر کرد ، یکی از کارهای خیر این انجمن ایجاد دانشرانی برای تربیت معلم و ایجاد کتابخانه عمومی برای مطالعه کتب سودمند دینی بود .

### فرهنگ و آموزش و پرورش مسلمانان چین :

روش تعلیم و تربیت در میان مسلمانان چین دوش بدوش پیشرفت تمدن و علم چندان ترقی نکرده است ، و مهم ترین نقصی که در امر تحصیل آنها دیده می شود همانا فقدان برنامه منظم و هم آهنگ نبودن دروس آنان با مقتضیات عصر و کهنه بودن بعضی از مواد تحصیلی و اعطاء آزادی فوق العاده بمحصلین است .

چون گروه روشن ضمیری متوجه این نقائص بودند ب فکر افتادند که مطابق پیشرفت سایر علوم باید تحولی در طرز تحصیل علوم اسلامی ایجاد کنند و لذا مدارس بسبک جدید بمنظور تعلیمات دینی بنا کردند از جمله سه مدرسه بنام : « دانشسرای چنگ تای » ، « در پکن » ؛

دانشسرای اسلام در «شانگهای» و آموزشگاه عالی «مینگ ته» در «کونمینگ» . این مدارس در اثر سعی فوق العاده خود توانستند در حدود ۲۸ دانشجو بدانشکده الازهر برای تکمیل تحصیلات خود بفرستند ولی متأسفانه در بجهت جنگ بین چین و ژاپن این مؤسسات دینی بمللی تعطیل شد و بعد از خاتمه جنگ امید تجدید حیات میرفت که انقلاب کمونیستی در چین پدید آمد و افتتاح آنها را بتاخیر انداخت .

در دوره جمهوری متجاوز از هزار مدرسه ابتدائی و تعداد زیادی آموزشگاه عالی برای تعلیمات عمومی دایر گردید ولی اکثر آنها در اثر کم بودن بودجه مجبور بتعطیل گردید ، در دانشگاههای «پکن» و در دانشگاه مرکزی ، و دانشگاه «یون نان» و دانشگاه «چونگ سان» کلاسهای متعددی برای تعلیمات علوم اسلامی تأسیس شده بود و اکنون نیز در جزیره فرمز در دانشگاه «تایوان» و دانشگاه «تسون چین» بعضی از رشتههای علوم اسلامی تدریس می گردد مسلمانان چین در طی ۳۰ سال از آغاز تأسیس جمهوری تاجنگ چین و ژاپون قدمهای بزرگ فرهنگی برداشتند از جمله چند مجله و روزنامه محلی مذهبی منتشر کردند و بعد از خاتمه جنگ ، سخنرانیهای دینی و مواعظ مذهبی توسط اعضا انجمن مسلمانان متحد از رادیو بتمام جهانیان پخش گردید این برنامه به توسط عده ای از دانشمندان علوم اسلامی ترتیب داده شده بود که بسیار مورد استقبال مردم قرار گرفت و اکنون نیز پخش برنامه های سودمند اسلامی از رادیو «تایوان» واقع در جزیره فرمز ادامه دارد ؛ علاوه بر اینها بتازگی ترجمه ای از قرآن مجید بزبان چینی در تایوان منتشر گردیده است و اداره فرهنگ تایوان نیز قدمهای مؤثر دینی برداشته ، از جمله از علمای بزرگ ممالک اسلامی دعوت کرده است که عضویت کمیته ادبیات جهانی را که بمنظور ترجمه کتب عربی و فارسی بزبان چینی است قبول کنند .

## کیفر گناهان

حضرت رضا (ع) فرمودند : «هر وقت مردم بگناه تازه و بی سابقه ای آلوده شوند ؛ خداوند آنها را ببلاه تازه ای دچار می نماید.»

(کافی ج ۲ ص ۲۷۵)

امیر مؤمنان (ع) می فرمایند: خداوند از هیچ مردی آسایش و زندگی راحت را نگرفته است مگر بعلت گناهی که مرتکب شده اند ، و خداوند هرگز ببندگان خود دستم نمی کند .

(نقل از کتاب المستطرف)

(بقیه از صفحه ۴) ما لکلم ایکس، رهبر مسلمانان سیاه پوست در نیویورک با زدر باره هدفهای جمعیت بخبر نگاران گفت: «... ما سالیان دراز با خواهش و تمنا از مرد سفید پوست تقاضا نمودیم که ما را در جامعه خود راه دهد، ولی وی کوچکترین وقتی بما نگذاشت، اما حالا که خواهان تجزیه هستیم اورا تکان داده و هراسان نموده ایم. اگر به سفید پوست التماس کنید که اجازه بدهد در رستورانش غذا بخورید، با این عمل، فقط حس خودپرستی ویرا ارضاء میکنید، ولی ما معتقدیم که کاربردگان سیاه پوست در مدت ۳۱۰ سال گذشته، بیش از صرف یک فنجان قهوه در رستوران سفید پوستان و داشتن خانه مسکونی در محله آنان؛ ارزش دارد... ما حتی نام بردگی خود را به مرد سفید پوست پس میدهیم، چنانکه ویسکی، مواد مخدره و سایر صفات مذموم را سابقاً با او مسترد داشته ایم!.. عده ای از اعضای جمعیت سابقاً مسیحی، معتاد؛ بیکاره و.. بودند و سفید پوستان اکنون خیال میکنند که فقط عده ای افراد نادان و عاطل و باطل عضو این جمعیت هستند ولی ما تصور نمیکنیم در تمام امریکا هیچیک از تشکیلات سفید پوستان با اندازه ما اقرااد باهوش ولایق داشته باشد». (۱)

(۱): از گزارش خبرنگار اطلاعات - شماره ۱۰۵۷۲ - .

---

(بقیه از صفحه ۶۰) ناراحتیها و آلام جسمی و روحی خویش می افزایند.

آنچه که بیش از همه مایه تآثر و تأسف است اینست که راهزنان سعادت جامعه؛ از این موقعیت سوءاستفاده کرده؛ وسائل و سرگرمیهای ناجور و خسته کننده و زیان آور در اختیار این مردم خسته و فرسوده میگذارند و آنان را باینگونه تفریحا و سرگرمیها مشغول و سرگرم می سازند!

صاحبان اینگونه اماکن و مراکز؛ تنها مقصودشان اینست که سرگرمیهای جانب تر و لذت بخش تری در اختیار مردم بگذارند و لو آنکه هزاران مفاسد اخلاقی و زیانیهای جسمی و روحی و اقتصادی از آن مراکز تفریحی عائد جامعه گردد؛ البته آنها بازرگانند و در جمیع کارها تنها سود مادی را در نظر میگیرند؛ هیچگاه فکر نمیکند ۶۰ میلیون بطاری شراب در عرض یکسال (۱۳۴۰) چه عواقب سوئی برای این ملت بیچاره در پیش خواهد داشت (۱) و یا از صرف ۲۵ میلیون تومان پول که در مدت یکماه تنها مردم تهران بسینماچینا میدهند و چه بسا برای دیدن یک فیلم مضر ۴ تا ۵ ساعت وقت عزیز خود را صرف می کنند (۲) و از دیدن فیلمهای جنائی و عشقی و مانند آن، چه زیانیهای جبران ناپذیری عائد آنها میگردد.